

نگاهی به ارزیابی طرح‌های معماری

حمید ندیمی

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

کلیدواژگان: طراحی معماری، ارزیابی طرح‌های معماری، ارزیابی کمی و کیفی، خبرگان معماری، حیثیت و هویت معماری.

چکیده

۱. سخن آغازین

این مقاله حاصل طرح پژوهشی نگارنده است در دفتر فنی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی. گزارش نهایی طرح در بهار ۱۳۸۸، به سفارش دهندۀ طرح، کمیته تخصصی معماری و طراحی شهری شهرداری تهران، عرضه شد.^۱

این پژوهش، از نظر موضوع و روش‌شناسی، کیفی است و در آن چنین ابزارها و روش‌هایی را به کار گرفته‌ایم:

- جلسات ذهن‌کاوی^۲ هیئت علمی راهبردی متشکل از سه تن از پرسابقه‌ترین اساتید دانشکده^۳ و مجری طرح که محور اصلی تعیین راهبردهای پژوهش و تأمل در نتایج به دست آمده است
- مرور ادبیات موضوع ارزیابی برای تحديد چارچوبهای بحث
- بررسی تطبیقی رویه‌ها و گردشکارهای ارزیابی و تصویب طرح‌های مهم در ایران و سه کشور پیشرفته^۴

ارزیابی طرح‌های معماری از مسائل روزمره عالم ساختمان است. رسیدن به معیارهایی که بتوان با آن طرح را سنجید دغدغه‌ای قدیمی است. با تقسیم وجه طرح معماری به کمی و کیفی می‌توان در پی معیارهایی در این دو وجه بود. وجه کمی طرح پاسخ‌گویی به برنامه و موضوع‌هایی چون دسترسی و تطبیق با اوضاع اقلیمی و آسایش فیزیکی و پایداری است. برای این وجه می‌توان معیارهایی ساخت و به زبانی مشترک رسید. وجه دیگر طرح که می‌توان آن را وجه کیفی یا وجه ناظر به کارکرد فرهنگی طرح دانست چندان معیار پذیر نیست. در اینجا باید به خبرگان عرصه رجوع کرد و در پی زبان و چشم‌اندازی مشترک میان آنان بود. آنچه در این عرصه اهمیت می‌باید را می‌توان با دو واژه «حیثیت» و «هویت» بیان کرد.

۱. گزارش کامل این طرح پژوهشی به نام تدوین راهنمای ارزیابی طرح‌های معماری در مرکز استناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی موجود است.

2. brainstorming

۳. آقایان دکتر محمود رازجویان و دکتر هادی ندیمی و دکتر اکبر زرگر.

۴. انگلیس و آمریکا و استرالیا.

پرسش‌های تحقیق

ارزیابی طرح‌های معماری به چه عواملی وابسته است؟
آیا می‌توان برای ارزیابی طرح‌های معماری سازوکاری کاملاً نظاممند تدوین کرد؟
جایگاه اهل فن در ارزیابی طرح‌های معماری چیست؟

- شهری برای ترسیم دیدگاه آن نهاد درباره پرسش‌های محوری پژوهش
- تحلیل محتوا و یافتن نکات و گزاره‌های کلیدی جلسات ذهن‌کاوی و مصاحبه‌های باز و پرسش‌های محوری پژوهش
- آزمون نتایج و جمع‌بندی و تحلیل اطلاعات مکتوب و غیرمکتوب، به روش «مرور همقطاران»^۵.
- اهداف ویژه طرح، به سبب جایگاه و رسالت کارفرما، بیشتر رویکردی کاربردی داشت، ولی در این مقاله، ارزیابی طرح‌های معماری را با نگاهی محتوایی بررسی می‌کنیم و فقط به بخشی از یافته‌های مندرج در گزارش پژوهش خواهیم پرداخت.

یافتن پاسخ پرسش‌های محوری مقاله حاضر درباره چیستی مبانی ارزیابی و امکان پذیری تدوین سازوکاری نظاممند برای ارزیابی و جایگاه اهل خبره در ارزیابی طرح‌های معماری مستلزم چارچوبی نظری است که در پرتو آن، ضمن تبیین واژگان کلیدی مسئله، مقیاس و محدوده پاسخ نیز روشن شود.
کلیدواژه‌های این چند پرسش پیش‌فرض‌هایی را به ذهن می‌آورده:

- ارزیابی طرح یکی از حلقه‌های لاینفک ساخت‌وساز است.
- نقش مدارک طرح در ساخت‌وساز قطعی و تعیین کننده است.
- ارزیابی طرح‌های معماری، از دیدگاه روش‌شناسی، میان اتکا به سازوکاری نظاممند و اقتدا به نظر خبرگان نوسان دارد.

پیش‌فرض اول گویای طبیعت فرایند طراحی است. اگر این فرایند در قالب الگوی ایده-آزمون^۶ تبیین شود، می‌توان گفت طراح از همان شروع کار در گفتگویی انتقادی با خودش است و تا پایان ادامه می‌دهد. البته در نقاط عطفی از فرایند طراحی، دیگران، کاربران و کارفرما و نهادهای قانونی، طرح را از منظر نقش و مسئولیت خود ارزیابی می‌کنند. می‌توان گفت «ارزیابی طرح» جزء لاینفک فرایند طراحی و ساخت است. ارزیابی هم حلقه‌ای از فرایند اندیشیدن طراح است، هم مقدمه تصمیم‌گیری کارفرما و هم پیش‌نیاز تأیید نهادهای قانونی تصویب کننده طرح.

پیش‌فرض دوم ناظر به واقعیتی است که در گذار از دوران سنت به دوران جدید حاصل آمده. اساساً نیاز به طراحی یا نقشه‌ها و مدارک طرح زمانی احساس شد که جامعه همگن و الگوهای جا افتاده و توافقی معماری دیگر وجود نداشت. امروزه در فقدان آن توافق نانوشته، دیگر بدون رجوع به

۲-۱. رویکرد عینیت‌گرا

رویکرد نخست ارزش‌های طرح را در طرح، به مثابه ابزه، مندرج می‌داند و داور را سوژه یا فاعل شناسنده می‌داند؛ کسی که به کشف و شناسایی آن ارزش‌ها می‌پردازد. در چارچوب این رویکرد اعتقاد بر آن است که تجربه عملی را می‌توان با انشتن فهرست‌هایی از معیارها و تدوین قواعد اصلاح کرد. همه تلاش‌ها برای تدوین استانداردها یا مقررات ساختمانی مبتنی بر این رویکرد است. با اینهمه، می‌گویند ارزیابی طراحی نمی‌تواند به قدر کافی عینیت‌گرا باشد و استانداردها یا سنجه‌های قاطعی برای نقد در کارگاه طراحی وجود ندارد.

۲-۲. رویکرد تأویلی

رویکرد تأویلی یا تأویلگرا عینیت‌گرایی را اساساً امری محال می‌داند.^۷ حال اگر بر این اساس پذیریم که ارزیابی امری ذهنیت‌گرایانه است و عینیت‌گرایی امری محال، ارزیابی فقط معرف عقیده شخصی داور خواهد بود و بیم آن است که ذهنیت‌گرایی محض به نوعی هرج و مر ج متنه شود. در چنین زمینه‌ای، این پرسش طرح می‌شود که داوری عادلانه چگونه ممکن می‌شود؟ این معما می‌است همیشگی پیش روی داوری طرح‌های معماری.

از این دو رویکرد، رویکرد دوم، همانگونه که از نامش پیداست، داوری طرح، از جمله طرح معماری را، با تأکید بر وجود کیفی و ارزشی آن، امری تأویلی و وابسته به ذهنیت داور می‌داند. این بدان معنی است که بر اساس این دیدگاه ارتباط طرح با داور نظیر ارتباط متن با خواننده است و معنا نه در متن است و نه در داور (خواننده)، بلکه در تعامل آن دو ظهور می‌یابد. در این رویکرد، تأکید اصلی بر فهم ضمنی ارزش‌های طرح است که این فهم ضمنی در جمع خبرگان حرفه، به مثابه جامعه تأویلی، مشترک است.^۸

نقشه‌ها و مدارک طرح که در حقیقت دستورالعمل‌های ساخت است، مدیریت فرایند ساخت ناممکن است و «داشتن طرح یا پیشنهادی قطعی و روشن که قابل بحث، اصلاح و ساخت باشد، به صورت یک نیاز گریزنایپذیر و حتی یک ضرورت قانونی در آمده است».^۹

خلاء ناشی از حذف توافق‌های ناگفته را دولتها با وضع و اعمال قوانین و مقررات ساختمانی و شهرسازی پر می‌کنند و از این راه میکوشند تا قیود مختلف کار را هماهنگ کنند.^{۱۰}

پیش‌فرض سوم ناظر بر این حقیقت است که با آنکه ارزیابی طرح‌های معماری از جنس کیفی است و وجه هنری اثر معماری داوری ارزشی درباره آن را متکی بر پسند و سلیقه داوران می‌کند، شاید بتوان وجهی از طراحی را با راه و روشی نظاممند و از پیش تدوین شده ارزیابی کرد و سهیم تأثیر پسند و سلیقه فردی داوران را کاهش داد. حاصل پیگیری این جریان تدوین معیارهایی کمی است که بتوان با آن بسیاری از جوهر طرح را سنجید؛ وجهی مانند سازه و شبکه دسترسی و سامانه‌های تنظیم اوضاع محیطی و میزان پاسخگویی طرح به کارکردهای مندرج در برنامه.^{۱۱}

با پذیرش این مفروضات، برای روشن شدن دامنه بحث، باید آن دسته از وجود طرح معماری را، که بهنحوی قابلیت سنجش با معیارهای ملموس دارد، از وجود کیفی آن تمیز داد. این مقاله بیشتر ناظر بر وجود میانی طیفی است که دو سر آن وجود کیفی و کمی طراحی معماری است.

۲. رویکردهای ارزیابی طرح

در ادبیات ارزیابی طراحی دو الگو یا رویکرد برای ارزیابی طرح قابل تشخیص است:

- رویکرد عینیت‌گرا^{۱۰}

- رویکرد تأویلی^{۱۱}

در نگاهی دقیق‌تر، اگر ارزش‌های طراحی را بر طبق تصور کنیم که یک سر آن ارزش‌های کاملاً کمی (اندازه‌ها و استانداردها و ...) و سر دیگر آن ارزش‌های کیفی (زیبایی و شاعرانگی و ارزش‌های فرهنگی و ...) است، هرچه به سمت ارزش‌های کمی پیش رویم نگاه عینی و معیارهای اندازه‌گیری دقیق و در نتیجه استانداردها و مقررات ساختمانی تفصیلی بیشتر به کار می‌آید و هر چه به سر دیگر طیف یعنی ارزش‌های کیفی نزدیک شویم اتکا به تشخیص و توافق اهل نظر گریزنای‌پذیرتر خواهد بود.

نکته مهم آن است که رعایت استانداردهای کمی خود ضمن وجهی از کیفیت است و اساساً تدوین استانداردها جزوی از فرایند کنترل کیفیت به حساب می‌آید. مسیر تدوین مقررات ساختمانی،^{۱۶} که فرایند رسیدن به توافق جمعی^{۱۷} خبرگان حرفه بر ضوابط و معیارهای صحت و کیفیت است، خود شاهد این نکته است.^{۱۸}

۳. الگوهای ارزیابی معماری

فارغ از آنکه ارزیابی کیفی یا کمی است، برای تشخیص وجود طرح‌های معماری، باید کارکردها یا وظایف معماری را احصا کرد؛ زیرا توقعی که از کارکرد شیء وجود دارد بهترین ملاک ارزیابی آن است. پذیرفتی است که ارزیابی طرح‌های معماری از نوع «ازیابی ملاکی» است^{۱۹} و این بدان معناست که هرجا صحبت از ارزیابی طرح معماري است، وجود نوعی ویژگی‌های آرمانی برای معماري مطلوب مفروض است؛ ویژگی‌هایی که طرح را در قیاس با آن می‌سنجیم. در حقیقت این ویژگی‌های آرمانی همان «ملاک»‌های مشترک خبرگان است. ممکن است این ملاک‌ها در قالب مقررات مكتوب و مصوب مطرح شود یا در مرتبه دانش ضمنی مشترک اهل فن بماند. به تعبیر دیگر، ارزیابی طرح، مثل هر ارزیابی دیگر، عبارت است از مقایسه «آنچه هست» یا طرح موجود، با «آنچه باید باشد» یا وضعیت آرمانی.

در این دیدگاه هرگز قواعد آنقدر وضوح نمی‌باشد که به داور بگویند در هر مورد چه باید بکند و به همین ترتیب آنچه داور از رهگذر تجربه آموخته است قابل بیان در سلسله‌ای از قواعد نیست. قواعد و معیارهای تدوین شده نیز، در هر نوع ارزیابی، توسط داور و با دانش ضمنی برخواسته از تجربه او تأویل و به کار بسته می‌شود.

۳-۲. کدام رویکرد؟

صرف نظر از چیستی اختلاف در مبانی این دو رویکرد، که بحث آن از این مقاله خارج است، گویا هر یک از این دو متوجه وجهی از وجود طراحی است. اگر بخواهیم ارزیابی طراحی، که امری است چندوجهی، همه‌جانبه انجام شود، استفاده از هر دو رویکرد ضروری و قابل توصیه است.

طراحی از یک سو وجوهی هنری و زیبایی‌شناسانه و فرهنگی دارد، که نیازمند فهم و ارزیابی کاملاً کیفی و ارزشی است، و از سوی دیگر دارای وجوهی مهندسی و مادی است که مستلزم اندازه‌گیری‌های دقیق و نگاهی کمی و عینیت گرا است. آنچه نهادهای قانونی و مشاوران اینها در سنجش و ارزیابی طراحی می‌کنند^{۲۰} غالباً ناظر بر همین وجود کمی است که در قالب استانداردها و مقررات ساختمانی تدوین و اعمال می‌شود؛ وجوهی نظیر رعایت استحکام و پایداری سازه و سازگاری با شرایط اقلیمی و صرفه‌جویی در مصرف انرژی و رعایت حدود تعیین شده در استناد فرادست شهری.

هر جا که به علی‌ارزیابی کیفی در میان باشد (مثالاً درباره بناء‌های پراهمیت یا مسابقات معماري)، ناگزیر علاوه بر سنجش‌های کمی، ارزیابی نهایی کار را به خبرگان می‌سپرند. در حقیقت الگو یا رویکرد دوم اتخاذ می‌شود که متکی بر فهم ضمنی اهل نظر، یا به عبارتی جامعه‌تأویلی،^{۲۱} حرفة معماري است.

15. hermeneutical community

جامعه‌تأویلی به گروهی اطلاق می‌شود که به نوعی در تأویل خاصی اشتراک دارند. اعضای جامعه‌ای فهم مشترکی دارند که در عمل آموخته‌اند و آنها را قادر می‌کند از کاربرد صرف قواعد و مقررات آموخته شده فراتر بروند و به موقعیت ارزیابی، با تشخیص اصلی ترین وجودهش، بلافضلله و بدون نیاز به اندیشه‌یدن باشند.

(A. Snodgrass, *Interpretation in Architecture, design as a way of thinking*, pp. 124-126)

16 . building codes

17 . consensus

۱۸ . برای فرایند تدوین مقررات ساختمانی در مقیاس بین‌المللی، نک: the ICC Code Development Process در سایت ICC به نشانی

<http://www.iccsafe.org>

۱۹ . البته با استثنای نظیر داوری مسابقات معماري یا ارزیابی طرح‌های داشجوان در کارگاه‌های آموزشی که در آنها ارزیابی ملاکی- هنجاری مطرح است و طرح‌ها در مقایسه با هم نیز بررسی و ارزیابی می‌کنند.

است که وجهه منابع را (مالی، زمانی، طبیعی، انسانی) نیز به آن افزوده‌اند. دی‌کیوآی منشأ بحث‌های زیادی میان ذی‌نفعان عرصه ساخت‌وساز شده و ضعف‌های روش‌شناسانه‌ای نیز دارد.^{۲۴}

آنچه همواره دل‌مشغولی نظریه‌پردازان حوزه معماری بوده است همین «آنچه باید باشد» معماری است که می‌تواند مبنای الگوهای ارزیابی معماری باشد. در ادامه به دو نمونه از این الگوها می‌پردازیم.

۲-۳. الگوی برادبنت

یکی از الگوهای پیشنهادی برای ارزیابی معماری، که سال‌هاست رایج است، مدل پنج‌وجهی برادبنت است. او آن را نخستین بار در ویرایش ۱۹۷۷ کتاب طراحی در معماری^{۲۵} عرضه کرده و هم اکنون نیز آن را روزآمد می‌داند.^{۲۶}

در این الگو، برادبنت پنج کارکرد^{۲۷} برای معماری ذکر می‌کند؛ کارکردهایی که می‌توان ملاک ارزیابی معماری دانست. این کارکردها اینهاست:

- پاسخگویی به فعالیت‌های انسان،^{۲۸} تناسب فضاهای رفتاری و فعالیت‌های زندگی فردی و اجتماعی انسانی
- حافظت برابر عوامل مزاحم و ناملایمات محیطی،^{۲۹} حفاظت فضاهای زندگی انسان از ناملایمات جوی و اقلیمی و حیوانات موذی و تجاوز انسان‌ها.
- دلالت فرهنگی،^{۳۰} معناداری‌بنا برای همه آنها که در ارتباط با آن اند

- کارکرد اقتصادی،^{۳۱} قابل توجیه بودن هزینه‌های ساخت و مدیریت و تعمیر و نگهداری‌بنا

- اثرگذاری محیطی،^{۳۲} مهار تأثیرات منفی‌بنا بر محیط طبیعی و بنای‌های هم‌جوار سه‌گانه ویتروویوس نیز در این الگو مندرج است. می‌توان تصور کرد اگر بنایی و طرحی از محک پنج کارکرد فوق سربلند بیرون آید بنایی موفق ارزیابی خواهد شد. هر یک از ملاک‌های پنج‌گانه برادبنت معیار سنجش و شیوه ارزیابی ویژه‌ای دارد.

در عرصه ادبیات سنجش طراحی،^{۳۳} شاهد تلاش‌های بسیاری برای تدوین روش‌های سنجش توفیق طرح‌های

۳-۱. الگوی ویتروویوس

بررسی همه الگوهای ارزیابی در ظرفیت این مقاله نیست، اما یکی از قدیمی‌ترین پاسخ‌های ثبت شده به این پرسش مدل سه‌وجهی ویتروویوس است که از آن زمان منبع الهام مبانی نظری معماری بوده و اکنون نیز نزد بسیاری از نظریه‌پردازان اعتبار خود را حفظ کرده است. این سه وجه، یعنی سه‌گانه استحکام و سودمندی و زیبایی، در حقیقت وظایف بنا یا معماری را چنین معرفی می‌کند:

- تأمین سرپناه محکم و ماندگار در برابر نیروهای تخریبی و فرسایشی محیط طبیعی و انسانی
 - پاسخگویی به نیازهای عملکردی زندگی انسان
 - ارضی نیاز معنوی انسان به محیطی فرحبخش و زیبا.
- این‌ها به تعبیر امروزی، ناظر بر تأمین امنیت و آسایش جسمی و روحی انسان است.

برای بیان چیستی وظایف معماری و در نتیجه وجود قابل ارزیابی آن پیشنهادهای دیگری هم هست. پراساد کیفیت طراحی را حصول تمامیتی می‌داند که فراتر از اجزاست.^{۳۰} او معتقد است که کیفیت طراحی زمانی حاصل می‌شود که هر سه وجه کیفی کاربرد و ساخت و تأثیرگذاری (نوعی تفسیر از سه‌گانه سودمندی و استحکام و زیبایی) با هم چون زمینه‌هایی هم‌بیوشان کار کنند. کار ممتاز زمانی ظهر می‌یابد که در هر سه وجه کیفیت به اوج برسد.^{۳۱}

خبری «شورای صنعت ساخت»^{۳۲} انگلستان ابزاری برای سنجش کیفیت طراحی تدوین کرده است: شاخص کیفیت طراحی (دی‌کیوآی).^{۳۳} مینا در واقع همان سه‌گانه ویتروویوس

20. S. Prasad, "clarifying Intentions; the design quality Indicator".

21.L. Volker, "Deciding about design quality; Design perception during a European tendering procedure".

22. Construction Industry Council

23. Design Quality Indicator: DQI

24. S. Prasad, "clarifying Intentions; the design quality Indicator".

25 . *Design in Architecture*
۲۶ اشاره به باسخ وی به این پرسش که چه تجدید نظرهایی باید در آن الگو اعمال شود. (نک: پیش‌گفتار کتاب با برادبنت، درباره معماری)

27 . function

28 . fit of spaces to activities
29 . environmental filtering

30 . Cultural symbolism

31 . Economic performance
32 . environmental impact

33 . design assessment

مطالبه کنند. اما تحمیل سلسله کمیت‌های خاص به صورت شروط، مطلب دیگری است که نتایج حاصل از طراحی آن را توجیه نمی‌کند».^{۳۷}

نهادهای قانونی به سبب سازوکاری که برای مواجهه با مراجعات شهروندان برای اخذ تصویب طرح‌ها دارند، ترجیح می‌دهند با کمیت‌ها و استانداردهای مصوب کار کنند. اعمال احکامی که در قالب آیین‌نامه‌های لازم‌الاجرا تدوین شده باشد، کار ارزیابها را ساده و مطمئن‌تر می‌کند. اما نباید فراموش کرد که آیین‌نامه نوشتمن و تدوین استانداردها فقط وقتی ممکن است که اندازه‌گیری ممکن باشد و اساساً آیین‌نامه نوشتمن برای کیفیت بسیار دشوار است.

تدوین آیین‌نامه‌ها، با کاستی‌هایی که برشموده شد، ناگزیر همچنان ادامه می‌یابد. گو اینکه این آیین‌نامه‌ها به روایت لاوسون «بیشتر به درد کسانی می‌خورد که کارشناس بازیبینی و نظارت است نه آنها که به طراحی مشغول‌اند. متصدی بازیبینی خواستار آزمونی ساده و ترجیحاً به صورت عدد و رقم است که به راحتی و بر اساس شواهد روشن و بی ابهام بتوان اعمال کرد. وی همچنین ترجیح می‌دهد که مجبور نباشد در زمان واحد بیش از یک چیز را در نظر بگیرد». لاوسون در ادامه از تفاوت تأمین‌برانگیز خواسته طراح در مقایسه با کارشناس ارزیابی می‌گوید و می‌افزاید: «البته خواسته طراح درست نقطه مقابل این است. قضیه از این قرار است که آیین‌نامه غالباً طراحی را دشوار می‌کند. این بدان دلیل نیست که آیین‌نامه‌ها استاندهای عمل می‌کنند. در این قدر می‌توان چنین نتیجه گرفت که همه را تحمیل می‌کنند، که ممکن است بسیار هم مطلوب باشد، دلیل آن انعطاف‌ناپذیری این آیین‌نامه‌ها در مقابل فرایندی ارزشی و چند بعدی چون طراحی است».^{۳۸}

در نگاهی کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که همه شیوه‌های سنجش و اندازه‌گیری ملاک‌های طراحی مطلوب علاوه بر اینکه شرط لازم ارزیابی و داوری‌اند، در محدوده خود مفید و کارساز نیز هستند. اما شرط کافی برای داوری همه‌جانبه

معماری هستیم؛ توفیق با ملاک‌های پذیرفته شده «معماری مطلوب».

۳-۳. ضرورت نگاه کل‌نگر در ارزیابی

پرسشی که الگوهای ارزیابی طراحی با آن مواجه‌اند این است که آیا شناسایی کامل ملاک‌های ناظر بر وجود معماری مطلوب ممکن است؟ و ثانیاً آیا می‌توان برای تک‌تک آن ملاک‌ها معیارهای قابل اندازه‌گیری تراشید؟

تدوین سازوکاری کاملاً نظاممند برای ارزیابی طرح‌های معماری مشروط به مثبت بودن پاسخ این دو پرسش است.

کاستی‌ها و محدودیت این الگوهای ارزیابی همه‌جانبه کیفیت‌های پیچیده‌ای که مطلوبیت و ماندگاری معماری در گرو آنهاست، بر کسی پوشیده نیست، ولی هریک از روش‌ها در محدوده خود ابزار سنجش «بخشی» از ارزش‌های طرح است. نکته مهم این است که داوری نهایی طرح‌ها، اگر بخواهیم همه‌جانبه باشد، نیاز به نگاهی ارزشی و کل‌نگر دارد که فراتر از این الگوهای است. به تعبیر لاوسون^{۳۹} «از آنجا که در طراحی اکثراً متغیرهای بسیاری با یک معیار قابل اندازه‌گیری نیستند، داوری ارزشی گریزان‌پذیر بنظر می‌رسد». اتفاقاً انحصاری بر سنجش‌های کمی، که بر اساس استانداردهاست، داوری نهایی را خدشه‌دار می‌کند. «استفاده از استانداردها باعث می‌شود هدف شایسته تدارک متفاوت در شرایط متفاوت نقش بر آب شود».^{۴۰} اینجاست که رجوع به اهل فن که قاعده‌تاً حامل نظام ارزشی جامعه‌اند ضروری می‌نماید. درباره طرح‌های با اهمیت، که در آنها صیانت از ارزش‌های کیفی در پرده اول ارزیابی است، توجه به این نکته، یعنی متوقف نشدن در مرتبه استانداردها و

مقررات، بسیار مهم خواهد بود. به تعبیر لاوسون، «کیفیت‌های طراحی خوب در استانداردهای کمی گنجانده نمی‌شود ... متصدیان نظارت حق دارند که تدارک مناسب برای مثلاً خلوت خصوصی یا دسترسی یا بازی بچه‌ها یا سکوت و آرامش را

34. Lawson

۳۵. برایان لاوسون، طراحان چگونه می‌اندیشند، ص ۹۱

۳۶. همان، ص ۸۷

۳۷. همان، ص ۸۸-۸۷

۳۸. همان، ص ۸۸

که نقش تعیین‌کننده داور احراز می‌شود. در حقیقت قوانین و مقررات تدوین شده به تناسب هر موقعیت ارزیابی در ذهن داور با تجربه تفسیر و تأویلی نو خواهد داشت. به تعبیر کتاب تأویل در عماری، «داور مجرب» مقرراتی معین را در همهٔ موقعیت‌ها یکسان به کار نمی‌برد، بلکه آن مقررات را در پرتو تجربهٔ خویش از موارد پیشین، متناسب با هر مورد منحصرآتاویل می‌کند. چنین داوری، در پرتو روح مقررات، آن را در موقعیت‌های متفاوت، گونه‌گون به کار می‌برد.^{۳۲}

البته این امر بدان معنی نیست که داوران منحصرآبا فهم خودشان داوری می‌کنند. بلکه معرف این واقعیت است که داور خوب فهم خود را در تفسیر قانون به کار می‌برد و در عین حال قانون را هم در فهم خود به کار می‌گیرد. از سوی دیگر فهم داور از دانش ضمنی او سرچشمه می‌گیرد و دانش ضمنی نیز حاصل امتداد تجربه و تعامل مستمر با کار حرفه‌ای و اهل حرفه است. از این رو نظر داور مجرب موضع شخصی نیست و به نوعی متکی بر هنجارهای مشترک «جامعهٔ تأویلی» و فهم درونی شده از قواعد و مقررات است. پذیرش این واقعیت اعتبار داوری اهل فن را تأکید می‌کند؛ با اینکه با هنجارهای عینیت‌گرایانه کاملاً منطبق نیست.^{۳۳}

این اشارات مؤید این نکته است که اولاً ارزیابی کیفی عماری حاوی مراتبی فراتر از سنجش‌های کمی است و ثانیاً داوری در آن مراتب فقط با فراست خبرگان با تجربه محقق می‌شود.

۴-۲. ویژگی‌های داور و چشم‌انداز مشترک داوران

داوران ارزیابی کیفی یا خبرگان را با واژه‌هایی نظیر «صاحب‌اثر» و «صاحب‌نظر» و «بافراست» و «انعطاف‌پذیر» و «حامی حقوق عامه» توصیف می‌کنیم.^{۳۴} به این ویژگی‌ها که حاصل تجربه کار عملی و پژوهش و آموزش است، می‌توان این مهم‌ترین ویژگی

رجوع به خبرگان پذیرفته جامعه است. از این طریق می‌توان انتخاب‌ها را به سمتی هدایت کرد که کیفیت‌هایی از لایه‌های پیچیده‌تر فرهنگی و ارزشی جامعه را نیز در بر گیرد.

از پنج کارکردی که برآمدنت در الگوی خود آورده است «دلالت فرهنگی»، که ناظر بر معناداری عماری است، بیش از سایر کارکردها به وجود کیفی عماری مربوط می‌شود. به همان نسبت نیز بیش از همه به توافق جمعی اهل فن متکی است. به نظر او هر پنج کارکرد، به استثنای دلالت فرهنگی، قابل رایانه‌ای شدن است. او بهترین راه مواجهه با دشواری‌های ارزیابی دلالت فرهنگی را استفاده از ابزارهای برگرفته از دانش نشانه‌شناسی^{۳۵} می‌داند.

۴. ارزیابی کیفیت و کیفیت داوری

همان طور که پیش از این گفتیم، وجود ابعاد کیفی و ارزشی و هنری عماری سه‌هم نظر داوران خبره را در فرایند ارزیابی پررنگ‌تر می‌کند. همین سه‌هم ناگزیر توجیه کننده اهمیت نقش داوران و صلاحیت‌های خاص فردی و چشم‌انداز مشترک آنان است.

۴-۱. اهمیت نقش داوران

آن طور که از ادبیات مربوط به ارزیابی عماری بر می‌آید،^{۳۶} تجربه عملی شرکت در جلسات داوری طرح‌ها نیز آن را تأیید می‌کند، ارزیابی کیفی طرح عماری نه بر اساس فهرست‌ها یا قواعد از پیش تعیین شده، که با انتکا به استنباط و تشخیص با فراست خبرگان ممکن است. البته این به معنای بی‌اعتباری معیارها و قواعد نیست، که ناظر بر این واقعیت است که فقط در شرایط عملی می‌توان قواعد را فهمید. این معیارها و قواعد در عمل وابسته به شرایط و سیال‌اند و در هر وضعیت ارزیابی، تفسیری نو می‌یابند. دیگر آنکه این معیارها و قواعد دقیقاً به داور نمی‌گوید که چگونه عمل کند. بر این مبنایست

39. semiotics

۴۰. نک: پیشگفتار کتاب با برآمدنت، درباره عماری.

۴۱. نک: فصل ۱ و مقدمه فصل ۲ از گزارش پژوهش.

42. A. Snodgrass, *Interpretation in Architecture, design as a way of thinking*, p.61.

۴۳. اعضاي کميته تخصصي عماري و طراحی شهری نيز در پاسخ‌گفتارهای خود هر يك به تعبيري به اين نكته اشاره کرده‌اند (نک: بخش ۲-۲ از گزارش پژوهش، جمعيتدی تحليلي گفتارها، ص ۵۱)^{۴۴} نک: بخش ۲-۲ از گزارش طرح پژوهشی، تحليل پاسخ‌گفتارهای اعضاي کميته تخصصي عماري و طراحی شهری.

تلاش انسان در طول تاریخ برای آنکه کیفیت‌ها را با ابداع ملاک‌های کمی قابل سنجش کند کاملاً موجه و در راه انصباط بخشیدن و ساده‌تر کردن فرایند ارزیابی بوده است. جریان مستمر استانداردسازی و تدوین مقررات ساخت در همین بستر است.

چون این جریان همیشه با تجزیه امر کلی به جزئیات و نیز نوعی کاهش‌گرایی منطقی همراه است، ارزیابی کامل و درست هیچ‌گاه از نگاه کل نگر و شهودی و متکی به آگاهی ضمنی اهل فن بی نیاز نیست.

ارزیابی کلی که شهودی است و متکی به آگاهی ضمنی در طول سنجش‌های کمی طراحی است نه در عرض آن. به تعییر دیگر اگر سنجش‌های کمی شرط لازم برای ارزیابی درست باشد، ارزیابی کلی اهل فن شرط لازم و کافی آن است.

ارزیابی کیفی اهل فن متوجه وجودی از کیفیت است که یا اساساً به کمیت‌های قابل اندازه‌گیری تبدیل شدنی نیست یا هنوز ابزار اندازه‌گیری آن ایجاد نشده است.

در ادامه، با اتکا به مباحث جلسات ذهن کاوی و نتایج دو پاسخ‌گفتار^{۴۳} حاصل «مروء همقطاران»، جمع‌بندی فشرده‌ای از مفاهیم کلیدی مربوط به دو واژه «حیثیت» و «هویت» عرضه خواهد شد.

۵. مراتب «حیثیت» و «هویت» در ارزیابی کیفی طرح

در اینجا برای آنکه وجود دو کلیدواژه حیثیت و هویت روشن شود آنها را با سه متغیر اصلی و مهم طراحی معماري تبیین می‌کنیم. در هر فرایند طراحی سه متغیر زیر نقش تعیین کننده دارد:^{۴۴}

- بستر، در همه مقیاس‌های کلان و خرد و همه وجوده کالبدی و اجتماعی و فرهنگی و زمانی و ...

- موضوع، با همه ایجابات کمی و کیفی و معنایی آن - طراح، با همه دانش و تجربه و سلیقه و توانایی‌اش.

را نیز افزود که اعضای چنین نهاد تعیین‌کننده‌ای باید معرف ارزش‌های فرهنگی والای جامعه و دارای سنتیت عمیق با آن ارزش‌ها باشند.

علاوه بر ویژگی‌های فردی اعضای نهاد ارزیابی کیفی، که بی‌شک در اعتبار بخشیدن به داوری آن نهاد مؤثر است، صرف‌نظر از مقیاس داوری، وجود نوعی همبازانی و چشم‌انداز مشترک نیز از ضروریات انسجام و استحکام بخشیدن به برآیند نظرات نهاد، در جایگاه «جامعه تأویلی» است. در داوری کیفی معماری، این چشم‌انداز مشترک در حقیقت تصویری از وضعیت مطلوب معماری و برآیند نظرات خبرگان است. باید آن را در قالب گزاره‌های کلیدی کوتاه و قابل درک و به‌خاطرماندنی تألیف و بیان کرد. درباره ترسیم چشم‌اندازی از وضعیت مطلوب معماری، از پاسخ‌گفتارهای اعضای کمیته تخصصی معماری و طراحی شهری این تعابیر کلیدی بیرون آمد: تحقیق‌پذیری و ماندگاری و نفاست و هویت انسان‌ساخت و بامعنایی و غنای حسی و شخصیت بصری.

بخش عمده‌ای از زمان جلسات ذهن کاوی هیئت علمی طرح نیز صرف مباحثه در مبادی و مبانی کیفیت در معماری شد و اینکه برای بیان مؤثر و کوتاه و زاینده آن، کلیدواژه‌هایی یافت شود که دامنه وجوده معنایی کیفیت معماری را پوشش دهد. حاصل جمع‌بندی جلسات ذهن کاوی هیئت علمی طرح پیشنهاد دو کلیدواژه «حیثیت» و «هویت» است که، با تعاریفی که در پی خواهد آمد، چشم‌انداز ارزیابی کیفی در مقیاس طرح‌های مهم را روشن می‌کند. پیش از آوردن گزاره‌های کوتاهی در بیان وجوده معنایی این دو کلیدواژه، یادآوری چند نکته خالی از فایده نیست.

تمایز قابل شدن میان وجوده کمی و کیفی طراحی اعتباری است و نباید از نظر دور داشت که ارزیابی ذاتاً کیفی است و وجوده به اصطلاح کمی طرح نیز در واقع در خدمت معرفی کیفیت یا چونی و چگونگی طرح است.^{۴۵}

۴۵. فرهنگ معین واژه کیفیت را این گونه معنا می‌کند: چگونگی، چونی (جلد سوم) فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم ۱۳۶۳

۴۶. این دو پاسخ‌گفتار حاصل مصاحبه‌هایی است با دو تن از اعضای هیئت علمی طرح، آقایان دکتر محمود رازجویان و دکتر هادی ندیمی، پس از سلسله جلسات ذهن کاوی در مراحل انتهایی کار و می‌توان را جمع‌بندی و حاصل مباحث جلسات به حساب آورد. برای متن پاسخ‌گفتارها نک: بخش ۱۳.۳ از گزارش پژوهش.

۴۷. البته متغیرهای دیگری نظیر کارفرما و کاربران و نهادهای قانونی و مقررات نیز در شکل‌گیری طرح اثر دارد اما همه این متغیرها را می‌شود در جبهه ارزیابی و تصویب و تأیین اعتبار قرار داد از دامنه بحث حاضر بر وجود کیفی طرح معماري خارج انگاشت یا لااقل در پرده‌های بعدی قراردادار.

۴۸. فرهنگ فارسی معین.

ت. ۱. جدول وجوده حیثیت.^۵

متغیرهای اصلی طرح	واژه‌ها و عبارات تبیین‌گر
بس‌تر طرح وجوده حیثیت	بس‌تر کالبدی بس‌تر اجتماعی بس‌تر فرهنگی تاریخی بس‌تر زمانی
	همزیستی با زمین و بستر، همسایگی‌ها، چشم اندازها، افق، آسمان و اقلیم
	توجه به الگوهای رفتاری و آداب و مناسبات اجتماعی همخوانی با گروه اجتماعی بهره‌بردار
	توجه به مؤلفه‌های فرهنگی تاریخی بستر طرح، توجه به کهن الگوهای ریشه‌دار در آب و خاک
	ماندگاری و مانایی، تاریخ مصرف نداشتن، حرکت رو به کمال، استعداد عمرپذیری و نمایش قدامت
	تجالی گوهره عملکرد، همخوانی صورت طرح با محتوای عملکردی موضوع
	موضوع طرح

تحقیق وحدت و انسجام در پاسخگویی به مقتضیات گاه متضاد بستر و موضوع بسنجهایم. این انسجام نشانه قدرت طراح در ایجاد الفت میان اجزای اثر است: خلق تألیف یا ترکیبی چشم‌نواز (ن)^{۴۹} یا رسیدن به کل واحدی (ر) که در همه لایه‌های اثر حضور دارد. لازمه رسیدن به چنین وحدت و انسجامی توجه و وزن دادن درست به مؤلفه‌های بستر و موضوع است، چه در مرحله برنامه‌ریزی و چه در مرحله طراحی. برای تبیین مفهوم حیثیت در قالب مؤلفه‌های بستر و موضوع با تعبیری کوتاه و رسأ، از جدول «ت ۱» بهره جسته‌ایم.

آنچه در این جدول در قالب واژه‌ها و عبارات کوتاه بیان شده، تبیین وجوده حیثیت است و دامنه توجه داوران اهل فن را نیز مشخص می‌کند. هریک از واژه‌ها و عباراتی که در تبیین وجوده حیثیت آمده گستره معنایی خاصی دارد که نزد اهل حرفه آشناست. هرچه تأویل و تفسیر خبرگان حرفه از این واژه‌ها و عبارات به هم نزدیک‌تر شود، در سایه این همزبانی، رسیدن به نوعی اجماع آسان‌تر خواهد بود.

۴۹. در جمع‌بندی، گزاره‌هایی که از دو پاسخ‌گفتار هیئت علمی طرح نقل می‌شود با علامت (ن) برای دکتر هادی ندیمی و (ر) برای دکتر محمود رازجویان مشخص شده‌است.
۵۰. این جدول حاصل پاسخ‌گفتار دکتر محمود رازجویان است.

در تعریفی کلی، طراح کسی است که، با اتکا بر همه دانش و توانش و بینش خود، برای موضوع طرح، که از جنس زندگی و برای انسان است، کالبدی در بستری معین طراحی می‌کند. بنابراین بدیهی است که در این فرایند، ویژگی‌ها و مقتضیات موضوع و بستر تأثیر انکارناپذیر دارد. از آن مهم‌تر خود طراح است که در فهم و تفسیر درست آن مقتضیات و در پاسخگویی موزون و منسجم و باکیفیت به آن مقتضیات نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند.

در ادامه به جمع‌بندی و دسته‌بندی فشرده‌ای از نکات برآمده از جلسات ذهن‌کاوی در باب دو کلیدواژه حیثیت و هویت می‌پردازیم.

کلیدواژه حیثیت برای معرفی وجودی از طرح انتخاب شده که در میانه پیوسنستار کمیت‌کیفیت است؛ وجودی که نه کاملاً قابل استاندارد شدن و سنجش با معیارهای کمی است و نه کاملاً دور از درک و بیان اهل فن. معانی فرهنگنامه‌ای این واژه چنین است: وضع، اسلوب، اعتبار، آبرو.^{۵۰} از معانی این واژه بر می‌آید که هم وضعیت و اسلوب شکل‌گیری و ساختار و انسجام درونی شیء را شامل می‌شود و هم اعتبار و آبرو و شأن و وجهه بیرونی شیء در نظر دیگران را.

اگر به فرایند طراحی و سه‌گانه بستر و موضوع و طراح بنگریم، می‌توانیم حیثیت اثر معماری را با میزان توفیق طراح در

همسازی با نظمی که قوام بخش هستی است	تعادل	وجوه هویت
قدرت تأثیفی اثر، به وحدت رساندن کثرت‌ها. هویت واحد یافتن جزء و کل	وحدت یافتگی	
مرافت و الft میان انسان و اثر	باهم بودگی	
در مقابل خودنمایی که ضد هویت است. خروج از «خود» و نسبت داشتن با «هو»	حقیقت نمایی	

ت. ۲. وجوه هویت^{۵۳}

ارزش‌های کیفی اثر را فراتر از زمان و مکان می‌برد؛ گویی
جزیی از هستی است.

۶. چند نکته پایانی

آنچه گذشت پیشنهاد و تبیین کلیدواژه‌هایی بود که چتر معنایی آنها بیشترین وجود کیفی طرح‌های معماری را پوشش می‌دهد و می‌توان آنها را چشم‌انداز مشترک داوری کیفی دانست.
گزاره‌هایی که در تبیین وجود حیثیت و هویت بیان شد «مقدمه» ایجاد چشم‌انداز مشترک داوران کیفیت است و نیل به آن چشم‌انداز نیازمند تعامل و گفتگوی مبسوط اعضای هر گروه داوری و نزدیک شدن تأویل آنان از آن گزاره‌ها است.
ضرورت وجود چشم‌انداز مشترک میان داوران اهمیت و حساسیت انتخاب داوران را برای هر طرح به روشنی آشکار می‌کند.

نقش تعیین‌کننده داوران خبره در ارزیابی کیفی و ارزشی طرح حکم می‌کند، علاوه بر صلاحیت‌های تخصصی لازم، سنتیت با هنجارها و ارزش‌های جامعه استفاده کننده از طرح در صدر ملاک‌های انتخاب اعضای داوری قرار گیرد.
داوری کیفی هنگامی موضوعیت می‌یابد که در ارزیابی‌های اولیه، که عمدتاً معطوف به صحت فنی و پاسخگویی به واجبات برنامه است، طرح را مناسب دانسته باشند.

در اوضاع فعلی توجه به این لایه از وجوه کیفیت دور از واقع نماید، اما چون متن حاضر در پی ترسیم چشم‌انداز ارزیابی کیفی است، ذکر این وجود اهمیت عمق نگاه و افق دید نهاد ارزیابی کیفی را روشن تر می‌کند. بالاترین ارزش کیفی از آن اثری است که در طول تاریخ ماندگار می‌شود. هویت ویژه این آثار همسازی و وفاق کامل با بستر کالبدی و بستر فرهنگی و نهایتاً با بستر هستی است. البته همین جا باید تأکید کرد که تشخیص چنین مرتبه‌ای از ارزش کیفی طرافت‌هایی دارد که اثبات‌کننده اهمیت و جایگاه داوران خبره است. «در فرایند قضاویت، یک داور نهایتاً از درون خود و باورها و پسندهای خود تغذیه می‌کند و این ملاک‌ها همواره در برابر ضوابط و باید و نبایدهای قانونی قدرت بیشتری خواهد داشت.» (ن)

فرهنگ فارسی عمید واژه هویت را این گونه تعریف می‌کند: حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، شخصیت، ذات، هستی و وجود منسوب به هو.^{۵۴} با نگاهی به عمق کلیدواژه‌های این تعریف، پیچیدگی و دشواری تشخیص میزان تحقق «هویتمندی» طرح معماری و نیز اهمیت نقش پختگی و فراست داور در تشخیص آن کاملاً قابل درک است. اکنون می‌توان به برخی از مهم‌ترین وجوده «هویت» پرداخت (با این ملاحظه که این وجوده فقط برای داور واحد شرایط قابل تشخیص است). هویت در این معنا اعم از حیثیت است و مفهوم آن مزه‌های کالبد و فرم و فرهنگ و بوم را نیز درمی‌نوردد و

۵۱. واژه هویت در فرهنگ فارسی معین نیامده است.

۵۲. این جدول حاصل پاسخ‌گفتار دکتر هادی ندیمی است.

کتاب‌نامه

دفتر فنی آموزشی و پژوهشی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی. تدوین راهنمای ارزیابی طرح‌های معماری. مجری طرح حمید ندیمی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی و معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران، ۱۳۸۸. (منتشر نشده)

فن مایس، پیپر. عناصر معماری، از صورت تا مکان. ترجمه فرزین فردانش. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.

لاوسون، برایان. طراحان چگونه می‌اندیشنند. ترجمه حمید ندیمی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.

لنگ، جان. آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه علیرضا عینیفر. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

ندیمی، حمید (و.). با برآبنت، درباره معماری. مترجمان نیلوفر رضوی، کیوان جورابچی، هدیه نوربخش. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

Carmona, M. and L. Sieh. *Measuring Quality in Planning: Managing the Performance Process*. London and New York: Spon Press, 2004.

Prasad, S. "clarifying Intentions; the design quality Indicator". in *Building research & information*, no.32 (2004).

Snodgrass, A., & R. Coyne. *Interpretation in Architecture, design as a way of thinking*. London and New York: routledge, 2006.

Vitruvius & Morgan, M.H. *The Ten Books on Architecture*. New York: Dover Publications, 1960.

Volker, L. Lauche, K. , Heinz, I.L. & Jonge, H. "Deciding about design quality; Design perception during a European tendering procedure". in *Design studies*, no.29 (2004).

